



عکس: علی محمدی / ایران

دو چالش بزرگ بازار ارز حل شد

● سیاست ارز ۴۲۰۰ تومانی، ۶۰ تن طلا و ۱۸ میلیارد دلار ذخایر ارزی را از بین برد
● بانک مرکزی، دو چالش تفاوت نرخ رسمی و بازار آزاد و بی ضابطه بودن نرخ یارانه‌ای را تا جایی که توانسته کم کرده است

گفت‌وگو

بانک مرکزی از روزهای پایانی سال گذشته برای بازگشت ثبات به اقتصاد کشور، سیاست تثبیت راد در پیش گرفت. در این سیاست ثبات نرخ ارز به عنوان لنگر انتظارات تورمی یکی از مهم‌ترین محورها در نظر گرفته شد. بر این اساس، در حوزه ارزی هشت اقدام تشکیل کمیته ارزی، راه‌اندازی مرکز مبادله ارز و طلا، ایجاد صندوق تثبیت ارز، راه‌های حاصل از صادرات و تغییر در دیپلماسی انجام شد. در نتیجه اعمال این سیاست در ۸ ماهه امسال، روند ثبات نرخ ارز را شاهد بودیم و خبری از نوسانات نرخ ارز همچون سال‌های گذشته در بازار نبوده است.

بانک مرکزی همچنین در قالب سیاست تثبیت، کنترل رشد نقدینگی را به عنوان یکی از موتورهای محرک تورم در دستور کار قرار داده است. با اعمال سیاست‌های پولی طی ماه‌های گذشته، رشد نقدینگی طی مسیر کاهش از ۳۱.۱ درصد در پایان سال ۱۴۰۱ به ۲۶.۴ درصد در مهر ماه ۱۴۰۲ رسید و سیالیت نقدینگی نیز با کاهش شدیدی مواجه شده است، به نحوی که رشد پول به عنوان جزئی از سیال نقدینگی، از محدوده بالای ۷۰ درصد در اغلب هفته‌های اسفندماه ۱۴۰۱ طی روند نزولی به سطح ۳۹ درصد در مهرماه سال جاری رسیده است. برای بررسی بیشتر عملکرد سیاست تثبیت طی ماه‌های گذشته، گفت‌وگویی با طهماسب مظاهری، رئیس کل اسبق بانک مرکزی انجام شده که در ادامه می‌خوانید.

● بانک مرکزی در دوره جدید، سیاست تثبیت اقتصادی را محور قرار دادن کاهش نوسانات نرخ ارز اجرائی کرد. ارزیابی شما نسبت به این سیاست در ۶ ماهه ابتدایی امسال چیست و چه پیش‌بینی نسبت به بازار ارز در آینده دارید؟

ایده سیاستی که بانک مرکزی در حال حاضر تحت عنوان تثبیت به کار برده است، از اواخر سه ماهه چهارم سال گذشته مطرح شد. با توجه به نوسانات و تغییرات شدید شاخص‌های اقتصادی در سه ماهه چهارم که شدیدتر از سه ماهه اول، دوم و سوم هر سال است، این ضرورت احساس شد که باید تجدیدنظری در سیاست‌ها شود و اجازه ندهند که تغییرات شدید شاخص‌های اقتصادی ادامه پیدا کند که بر همین اساس اسم این سیاست جدید، تثبیت گذاشته شد.

هرچند که تثبیت کلمه خوبی است، اما پیشنهاد من این بود که با توجه به سابقه ذهنی اقتصاددانان و اقتصاد ما از کلمه تثبیت که سال‌های قبل نایجا به کار برده شده بود و آثار منفی بر جای گذاشته بود، اسم این سیاست را ثبات شاخص‌های منطقی کردن شاخص‌های اقتصادی بگذاریم. چون این کلمه تثبیت یادآور آن قانون تثبیتی است که مجلس تصویب کرد و جلوی توسعه اقتصادی کشور را گرفت و صدمات سنگینی زد. در مجموع منظور این است که این

تثبیت با تثبیتی که در سال‌های قبل اتفاق افتاد، متفاوت است و نباید با آن اشتباه گرفته شود. نکته دیگری آنکه در مورد بحث ارز، اگر دو مینا را قبول کنیم و براساس این دو مینا مسائل ارزی را دنبال کنیم، راه‌حل‌های خوبی به دست می‌آوریم. یکی اینکه ارز یک کالایی است مثل بقیه کالاها و این را باید قبول کنیم. ارز یک کالا است و قیمت خودش را هم دارد. این یک اصل است که قیمت یک کالا در بازار براساس قانون عرضه و تقاضا تعیین می‌شود. نکته دوم که باید قبول کنیم این است که بخش بزرگی از ورودی ارز به کشور حاصل فروش کالاهای سرمایه‌ای مانند نفت خام یا مواد معدنی است. در ادبیات اقتصادی تفاوتی وجود دارد بین «درآمد» و «وصولی» و همچنین بین «هزینه» و «پرداخت». در اصطلاح انگلیسی آن، به درآمد revenue و به وصولی receipt گفته می‌شود. هزینه نیز expense و پرداخت expenditure گفته می‌شود. بنابراین هرپرداختی، هزینه نیست و هروصولی، درآمد نیست. مثلاً وقتی یک پیمانکاری قراردادی با کارفرما برای انجام کاری می‌بندد پیش‌پرداخت می‌گیرد. این مبلغ پیش‌پرداخت، درآمد نیست، وصولی است. برای کارفرما نیز مبلغ پیش‌پرداختی که می‌دهد هزینه نیست، پرداختی است. به مرور که کار پیش می‌رود و وظایفی که برعهده پیمانکار قرار گرفته، انجام می‌شود، صورت وضعیت یا صورت کارکرد می‌دهد و متناسب با آن کاری که کرده، پیش‌پرداخت تبدیل به درآمد و برای کارفرما تبدیل به هزینه می‌شود و ضمانتنامه پیش‌پرداخت آزاد می‌شود.

تثبیت با تثبیتی که در سال‌های قبل اتفاق افتاد، متفاوت است و نباید با آن اشتباه گرفته شود. نکته دیگری آنکه در مورد بحث ارز، اگر دو مینا را قبول کنیم و براساس این دو مینا مسائل ارزی را دنبال کنیم، راه‌حل‌های خوبی به دست می‌آوریم. یکی اینکه ارز یک کالایی است مثل بقیه کالاها و این را باید قبول کنیم. ارز یک کالا است و قیمت خودش را هم دارد. این یک اصل است که قیمت یک کالا در بازار براساس قانون عرضه و تقاضا تعیین می‌شود. نکته دوم که باید قبول کنیم این است که بخش بزرگی از ورودی ارز به کشور حاصل فروش کالاهای سرمایه‌ای مانند نفت خام یا مواد معدنی است. در ادبیات اقتصادی تفاوتی وجود دارد بین «درآمد» و «وصولی» و همچنین بین «هزینه» و «پرداخت». در اصطلاح انگلیسی آن، به درآمد revenue و به وصولی receipt گفته می‌شود. هزینه نیز expense و پرداخت expenditure گفته می‌شود. بنابراین هرپرداختی، هزینه نیست و هروصولی، درآمد نیست. مثلاً وقتی یک پیمانکاری قراردادی با کارفرما برای انجام کاری می‌بندد پیش‌پرداخت می‌گیرد. این مبلغ پیش‌پرداخت، درآمد نیست، وصولی است. برای کارفرما نیز مبلغ پیش‌پرداختی که می‌دهد هزینه نیست، پرداختی است. به مرور که کار پیش می‌رود و وظایفی که برعهده پیمانکار قرار گرفته، انجام می‌شود، صورت وضعیت یا صورت کارکرد می‌دهد و متناسب با آن کاری که کرده، پیش‌پرداخت تبدیل به درآمد و برای کارفرما تبدیل به هزینه می‌شود و ضمانتنامه پیش‌پرداخت آزاد می‌شود.

● در حسابداری هم پیش‌پرداخت در صورت‌حساب سودوزیان

تثبیت با تثبیتی که در سال‌های قبل اتفاق افتاد، متفاوت است و نباید با آن اشتباه گرفته شود. نکته دیگری آنکه در مورد بحث ارز، اگر دو مینا را قبول کنیم و براساس این دو مینا مسائل ارزی را دنبال کنیم، راه‌حل‌های خوبی به دست می‌آوریم. یکی اینکه ارز یک کالایی است مثل بقیه کالاها و این را باید قبول کنیم. ارز یک کالا است و قیمت خودش را هم دارد. این یک اصل است که قیمت یک کالا در بازار براساس قانون عرضه و تقاضا تعیین می‌شود. نکته دوم که باید قبول کنیم این است که بخش بزرگی از ورودی ارز به کشور حاصل فروش کالاهای سرمایه‌ای مانند نفت خام یا مواد معدنی است. در ادبیات اقتصادی تفاوتی وجود دارد بین «درآمد» و «وصولی» و همچنین بین «هزینه» و «پرداخت». در اصطلاح انگلیسی آن، به درآمد revenue و به وصولی receipt گفته می‌شود. هزینه نیز expense و پرداخت expenditure گفته می‌شود. بنابراین هرپرداختی، هزینه نیست و هروصولی، درآمد نیست. مثلاً وقتی یک پیمانکاری قراردادی با کارفرما برای انجام کاری می‌بندد پیش‌پرداخت می‌گیرد. این مبلغ پیش‌پرداخت، درآمد نیست، وصولی است. برای کارفرما نیز مبلغ پیش‌پرداختی که می‌دهد هزینه نیست، پرداختی است. به مرور که کار پیش می‌رود و وظایفی که برعهده پیمانکار قرار گرفته، انجام می‌شود، صورت وضعیت یا صورت کارکرد می‌دهد و متناسب با آن کاری که کرده، پیش‌پرداخت تبدیل به درآمد و برای کارفرما تبدیل به هزینه می‌شود و ضمانتنامه پیش‌پرداخت آزاد می‌شود.

هرچند که تثبیت کلمه خوبی است، اما پیشنهاد من این بود که با توجه به سابقه ذهنی اقتصاددانان و اقتصاد ما از کلمه تثبیت که سال‌های قبل نایجا به کار برده شده بود و آثار منفی بر جای گذاشته بود، اسم این سیاست را ثبات شاخص‌های منطقی کردن شاخص‌های اقتصادی بگذاریم.

می‌کنیم درآمد حاصل از آن را به عنوان درآمد ارزی آن شرکت یا مؤسسه در نظر می‌گیریم، اما آجایی که نفت خام یا محصول معادن مان را می‌فروشیم، عواید حاصله، درآمد ارزی نیست و تبدیل داری سرمایه‌ای است.

زمان دولت هفتم این بحث را کردیم و من آن را به عنوان «داری‌های سرمایه‌ای تجدیدنپذیر» نامیدم. آقای خاتمی وقتی این بحث را مطرح کردیم یک صفت دیگری هم به این اضافه کرد تحت عنوان بین‌نسلی. بنابراین عواید حاصل از فروش «داری‌های سرمایه‌ای تجدیدنپذیر بین‌نسلی»، «درآمد» نیست.

● در بودجه هم جدا می‌آید؟
در بودجه کل کشور تا زمان دولت هفتم تفکیک قائل نمی‌شد. آن زمان که این بحث مطرح شد همین اتفاق افتاد که نفت از عنوان درآمد خارج و به عنوان تملک داری‌های سرمایه‌ای درج شد. در جداول بودجه امسال هم با همین عنوان آمده است.

خب اگر این را قبول کنیم که ارز حاصل از صادرات نفت، ارز حاصل از فروش داری‌های سرمایه‌ای است، بنابراین درآمد ما نیست که دولت یا بانک مرکزی به عنوان درآمد آن را ببیند. در قانون هم همین است، اما در عمل دیگر رعایت نشد. دو سه سال زمان آقای خاتمی رعایت شد اما دیگر رعایت نشد. با این دو محوری که ثابت نگه داشت و بین ۷ تومان و ۱۴۰ تومانی که نرخ آزاد ارز بود، چندین نرخ مختلف برای انواع و اقسام مصارف از جمله پزشکی، دانشجویی، صادرات، طرح‌های بزرگ انقلاب و... در نظر گرفته شد و گفتند ما این نرخ‌ها را کمتر از ۱۴۰ تومان می‌سیم به این دلایل.

ویژگی آن دوره این بود که جنگ بود و دولت هم دو رسالت مهم داشت. یکی تأمین حداقل معیشت مردم و دوم پشتیبانی جنگ. وظایف دیگر دولت نیز مثل طرح‌های عمرانی و... به اولویت‌های بعد موکول می‌شد. چرا که ما در شرایط جنگی بودیم و چند کشور مثل سوریه، کره شمالی و لیبی همراه ما بودند که البته آنها نیز در راستای منافعشان در آن برهه ما را همراهی می‌کردند. آن طرف هم صدام بود و از پشتیبانی همه دنیا آواکس آمریکا، میراث‌های فرانسه، میگ‌های روسیه و شیمیایی آلمان حمایت می‌شد.

بنابراین در این شرایط، پشتیبانی جنگ یک ضرورت بود و نرخ دلار ۷ تومانی برای تأمین حداقل‌های مورد نیاز مصرف شد. برای معیشت مردم نیز کوپن ایجاد شد و آن‌ها را به قیمت‌های رسمی با قیمت‌های رسمی به دست مصرف‌کننده می‌رسانید. کنترل هم از لحظه تخصیص ارز تا لحظه خرید توسط مصرف‌کننده انجام می‌شد و برای مثال، مردم شکر را با نرخ رسمی کیلویی ۲ تومان می‌خریدند و در بازار آزاد شکر کیلویی ۳۰ تومان بود.

اقتصاد بین‌الملل

کسری بودجه ۵۹ میلیارد دلاری ترکیه



داده‌های رسمی نشان داد ترکیه در سال ۲۰۲۳ ۵۹ میلیارد دلاری ثبت کرده است. به گزارش «ایران اقتصادی»، بودجه دولت مرکزی ترکیه در سال ۲۰۲۳ کسری ۱.۳۷ تریلیون لیر (۵۹ میلیارد دلار)

داشته است و داده‌های وزارت خزانه‌داری و دارایی نشان می‌دهد که این رقم از کسری ۱۴۲.۷ میلیارد لیره (۸.۶ میلیارد دلار) در سال ۲۰۲۲ بدتر شده است. درآمدهای بودجه به ۵.۲ تریلیون لیر (۲۳۳.۵ میلیارد دلار) رسید و هزینه‌ها در سال گذشته ۶.۶ تریلیون لیر (۲۸۲.۵ میلیارد دلار) بود. مخارج بدون بهره به ۵.۹ تریلیون لیر (۲۵۳.۶ میلیارد دلار) رسید، در حالی که پرداخت‌های بهره در ۶۷۴.۶ میلیارد لیر (۲۸.۹ میلیارد دلار) قرار گرفت. تراز بودجه، بدون احتساب سود پرداختی، ۷۰۰.۴ میلیارد لیره (۳۰ میلیارد دلار) کسری داشت و درآمدهای مالیاتی به ۴.۵ تریلیون لیر (۱۹۳.۱ میلیارد دلار) رسید. در ماه دسامبر ۲۰۲۳، تراز بودجه به دنبال مازاد ۷۵.۶ میلیارد لیره (۲.۶ میلیارد دلار) در ماه نوامبر، ۸۴۳.۵ میلیارد لیره (۲۸.۹ میلیارد دلار) کسری ثبت کرد. طبق گزارش ایستنا از بیزنس، درآمدهای بودجه در ماه دسامبر به ۴۴۹.۹ میلیارد لیره (۱۸.۹ میلیارد دلار) رسید، در حالی که هزینه‌ها ۱.۴ تریلیون لیر (۴۷.۸ میلیارد دلار) بود. یک دلار آمریکا در ماه دسامبر ۲۰۲۳ به طور متوسط ۲۹.۱۰۱۲ لیر معامله شد.

انرژی

امریکا در لبه تاریکی!



امریکا برخلاف پیش‌بینی‌های قبلی، با افزایش تقاضا برای برق روبه‌رواست که به هشدارها نسبت به قطعی‌های احتمالی، منجر شده است.

به گزارش «ایران اقتصادی»، آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) در اواسط سال ۲۰۲۳ میلادی، گزارش کرد تقاضای برق در اقتصادهای پیشرفته رو به کاهش است. این آژانس در آن زمان اعلام کرد تقاضای برای برق تنها در آمریکا، قرار است در سال ۲۰۲۳، به میزان ۲ درصد کاهش یابد اما برخلاف این پیش‌بینی، تقاضا در این کشور، روبه افزایش بوده و هشدارهای متعدد درباره خاموشی را به دنبال داشته است.

شورای قابلیت اطمینان الکتریکی نگرانس، آخر هفته گذشته، فراخوانی برای صرفه‌جویی در مصرف برق برای مردم این ایالت صادر کرد تا از کمبود جلوگیری شود. علت این فراخوان هم افزایش تقاضا به دلیل سرمای شدید زمستانی همراه با سرعت ناکافی باد برای ظرفیت عظیم تولید نیروی بادی این ایالت بود. با این حال، این وضعیت فقط شامل نگرانس نیست و فقط در زمستان و تابستان نیست که تقاضای برای برق، به اوج‌های جدیدی می‌رسد. این وضعیت در سراسر آمریکا به چشم می‌خورد و یک مشکل طولانی‌مدت است که ممکن است منجر به قطعی برق شود.

شرکت قابلیت اطمینان الکتریکی آمریکا شمالی در آخرین ارزیابی قابلیت اطمینان بلندمدت خود که در دسامبر منتشر شد، این خطر را گزارش کرد. سپس هفته گذشته خبر داد خرده‌فروشی برق در سال میلادی جاری، احتمالاً به رکورد بالای چهار میلیارد کیلووات ساعت خواهد رسید. علاوه بر این، تقاضا در مدت ۱۰ سال آینده در آمریکا، با تری نخ‌ی دو برابر بیشتر از پنج سال گذشته رشد خواهد کرد و این به خاطر بی‌مبالاتی خانوارها در مصرف برق نیست. روزنامه فایننشال تایمز در مقاله‌ای به گزارشی اشاره کرد که توسط شرکت مشاوره «گرید استراتژی» تهیه شده بود. این گزارش نشان می‌داد بزرگترین محرک تقاضای بیشتر برای برق در آمریکا در آینده، حدود ۴۸۱ میلیارد دلار پروژه‌های صنعتی اعلام شده از سال ۲۰۲۱ تا جمله مواردی در تولید تراشه و باتری خواهد بود. همچنین حدود ۱۵۰ میلیارد دلار پروژه‌های جدید دیستانترو وجود دارد که اعلام شده و قرار است تا سال ۲۰۲۸ ساخته شوند و البته، میلیون‌ها خودروی برقی وجود دارد که در سال‌های آینده، به جاده‌های آمریکا وارد خواهند شد، البته به شرطی که خودروسازان و فروشندگان، کندی روند فروش را معکوس کنند. در این بین، جدیدترین گزارش چشم‌انداز انرژی کوتاه مدت اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA)، حاکی از آن است که افزایش ظرفیت تولید برق تحت نفوذ نیروی باد و خورشید خواهد بود.

طبق این گزارش، انرژی خورشیدی ۳۶ گیگاوات در سال میلادی جاری و ۴۳ گیگاوات در سال ۲۰۲۵، بزرگترین منبع ظرفیت تولید جدید برق خواهد بود. اداره اطلاعات انرژی آمریکا اعلام کرد تولید نیروی خورشیدی هم از ۱۶۲ میلیارد کیلووات ساعت در سال میلادی گذشته، به ۲۳۰ میلیارد کیلووات ساعت در سال ۲۰۲۴ افزایش خواهد یافت. تولید توربین‌های بادی هم در سال ۲۰۲۴ رشد کرده و ۳۰ میلیارد کیلووات ساعت برآورد می‌شود. با وجود تولید پیش‌بینی شده نیروی بادی و خورشیدی که بیش از چندین برابر میزان خرده‌فروشی پیش‌بینی شده برای برق در سال میلادی جاری است، همه چیز باید خوب باشد. اگر نیروی بادی و خورشیدی به صورت شبانه‌روزی تولید می‌شدند و اوج تولید همزمان با اوج تقاضا بود، می‌توانست چنین باشد. همچنین رشد پیش‌بینی شده قطعاً محقق نمی‌شود. مخالفت با تأسیسات جدید بادی و خورشیدی در بخش‌هایی از آمریکا در حال افزایش است که منجر به لغو پروژه‌های می‌شود. همزمان با این تحولات، تقاضای برای برق رو به رشد است و نیروگاه‌های زغال‌سوز و گازسوز بازنشسته می‌شوند زیرا رقابت با تأسیسات بادی و خورشیدی برخوردار از یارانه سنگین، به میزان فزاینده‌ای برای آنها دشوار می‌شود.

بازنشستگی سریع ظرفیت تولید بار پایه، باعث شد شرکت قابلیت اطمینان الکتریکی آمریکا شمالی در دسامبر گذشته هشدار دهد که دو سوم آمریکا در اوج سرمای زمستانی، در خطر فرورفتن در خاموشی است. از دست دادن ظرفیت تولید نیروی زغال‌سوز و گازسوز، باعث خاموشی برق در تنسی در زمستان سال ۲۰۲۲ در بحبوحه طوفان زمستانی ایوبت شد. البته در مورد ایالت تنسی، تعمیر و نگهداری بد و سرما، علت اصلی بود، نه بازنشستگی نیروگاه‌ها. به نظر می‌رسد شکاف فزاینده‌ای بین روند تقاضا برای برق وجود دارد که شامل رشد قوی و همراه با آن، نیاز اجتناب‌ناپذیر به عرضه پایدار است و روندها در نیمی از معادله عرضه، روی انرژی‌های کم‌کربن شامل نیروی باد و خورشیدی متمرکز است. طبق گزارش ایستنا از اوایل پاریس، اگر اداره اطلاعات انرژی آمریکا درست گفته باشد، به نظر می‌رسد روند رشد نیروی بادی و خورشیدی و بازنشستگی نیروگاه‌های زغال‌سوز و گازسوز ادامه خواهد یافت اما اینکه چگونه این روند با افزایش تقاضای برای برق همخوانی خواهد داشت، شاید مهمترین سؤال در خصوص فرایند گذار انرژی در حال حاضر باشد.

